

من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است .
2 هر شاخه‌ای را که در من ثمر نیاورد
می‌برد و هر شاخه‌ای که ثمر بیاورد آن را
پاک می‌سازد تا میوه بیشتری به بار آورد .
3 شما با تعالیمی که به شما گفتم پاک شده‌اید .
4 در من بمانید و من در شما . همان‌طور که
هیچ شاخه‌ای نمی‌تواند به خودی خود میوه دهد
مگر آنکه در تاک بماند، شما نیز نمی‌توانید
ثمر بیاورید مگر در من بمانید . « 5 من تاک هستم و شما شاخه‌های آن هستید . هر که در
من بماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد چون شما نمی‌توانید جدا از من کاری انجام
دهید . 6 اگر کسی در من نماند مانند شاخه‌ای که دور افکنده می‌شود و خشک می‌گردد .
مردم شاخه‌های خشکیده را جمع می‌کنند و در آتش می‌ریزند و می‌سوزانند . 7 اگر در من
بمانید و سخنان من در شما بماند هر چه می‌خواهید بطلبید که حاجت شما برآورده می‌شود .
8 جلال پدر من در این است که شما میوه فراوان بیاورید و به این طریق شاگردان من
خواهید بود .



وقتی بچه بودم گیاهان در حال رشد برای من بسیار جالب بودند . به عنوان مثال ، در آن
زمان هسته آوکادو را در یک لیوان قرار می‌دادیم و هر روز صبح با شور و شوق
تماشا می‌کردیم چگونه هسته ای ریشه می‌گیرد و بعدا شاخه های کوچک رشد می
کنند درست حتی امروز وقتی به بالکن می روم و می بینم گیاهان جدید در آنجا در
حال رشد هستند ، می توانم این احساس اشتیاق را هنوز حس کنم . انتظار جوانه زدن
گیاهان در زمان بهار یک لذت واقعی است!

در خطبه امروز ، عیسی از خداوند همانند یک باغبان یاد می‌کند . خداوند برای مراقبت
از بندگانش از هیچ کوششی دریغ نکرد و از زمان پیدایش انسان تا به امروز به فکر او
بود و برای آن زحمت های فراوانی کشید که حتی در جایی پسر خودش را در این راه
فدا نمود . عیسی همان تنه درخت انگور است که از خود خداوند سرچشمه گرفته شده
است . کسی که دوست دارد با تمام وجودش درکنار ما باشد . و ما نیز شاخه های این
درخت انگور هستیم که اجازه داریم از عیسی نیرو بگیریم . زمان پس از عید پاک را
می توان کمی شبیه رشد گیاه دانست . در ابتدا همه چیز به اندازه قبر ، جایی که عیسی در
آن قرار داشت ، تاریک بود . همه چیز در قلب شاگردان نیز تاریک بود . عیسی مرده
بود! عیسی مانند تنه انگور بود که در زمستان بدون برگ دیده می‌شود . اما ، ما آن را
می‌دانیم! تاک هنوز زنده است حتی اگر مرده به نظر برسد! عیسی نیز زندگی می‌کند!
او رستاخیز کرده است! و زمان بعد از عید پاک زمانی بود که اولین جوانه ها از تاک
بیرون می‌روند . این شاگردان بودند که عیسی را دیدند . وقتی عیسی را دیدند ، طعم

زندگی ابدی را از طریق او گرفتند. آنها درک کردند: شما می توانید رشد کنید! چه شادی بخش ایمان است! چه شادی در زندگی! زندگی ابدی! برای من! حال با این توضیحات از این باغ خداوند چه چیزی می توان انتظار داشت؟ بله، خداوند نیز هم در باغ خودش همیشه محصول خودش را جستجو می نماید. او محصولش را ارزو می کند چون نیازمندان بزرگ وجود دارند. و هم گرسنگی بزرگ در دنیای ما وجود دارد. نگاهی به این دنیا می اندازیم و می بینیم. در این سرزمین، بدبختی و مشکلات آدمی بسیار زیاد می باشد و همچنین ثمره ای که از این باغ بیرون می آید از خداوند سرچشمه نمی گیرد بلکه از مرگ ناشی می گردد. ما در طول تاریخ این موضوع را می توانیم به وضوح ببینیم که چطور انسانها از نظر روحی و جسمی به نابودی کشیده شده اند. آنها هیچ وقت طعم شیرین محبت خداوند را نچشیده اند. در این دنیا رنج ها و نیازمندی های زیادی وجود دارد که از این رو می توانیم کمبود محبت و شادی حقیقی را کاملاً درک نماییم. تنفر، حسادت و مرگ نتیجه ای است که انسان ها همیشه در پایان اعمالشان می بینند. بله، این عاقبت آدم ها بی است که به درخت انگور یعنی عیسی متصل نمی باشند و اصلاً نمی دانند که نیروی عیسی چه قدرتی دارد. خداوند با شناختی که از زندگی بشر داشته است خوبی می داند که نیاز به بندگان زیادی دارد تا با نام و قدرت او بتوانند به کسان دیگر خبر خوش او را به همه ابلاغ نمایند. نگاه خداوند ما، هنوز هم بر کلیسا و بندگانش می باشد و هر بار بندگان جدیدش را پیدا می نماید خوشحال می باشد. توجه عیسی بر تک تک ما مسیحیان و کلیسا می باشد. حال برای خداوند خیلی نا امید کننده می باشد اگر تعدادی از انسان ها در زیر چتر او نباشند. به عبارت دیگر، چه دردناک است وقتی که انسان ها دیگر در کلیساها باقی نمی مانند و یا راهی به آن پیدا نمی کنند. عیسی در مثالی برای ما شرح می دهد که خداوند اگر شاخه ای ثمره خوبی نداشته باشد آن را خواهد برید. این به این معنی می باشد که اگر کلیسایی در همان سطح از رشد خود ساکن بماند و یا اگر کلیسایی تلاشی برای ابلاغ کلام خداوند نکند و یا اگر اعضای کلیسایی دست از دعا کردن بکشند و یا از کمک کردن انسان های نیازمند خسته بشوند، اینجا است که خدا آنها را از خود جدا خواهد کرد. این تصویری که عیسی برای ما روشن می نماید خیلی شوک آور می باشد. کسی که از اعتقاد مسیحی خودش دور شود محکوم به تباهی شدن می شود و خداوند او را از نگاه پاکش کنار می گذارد و از محبتش برای او دریغ می نماید. این یک حقیقت است که ما بدون نیروی زندگی بخش عیسی به هیچی خواهیم رسید. ولی این را هم باید بدانیم که خداوندی که همه چیز را به ما هدیه می دهد از ما انتظار نتیجه و ثمره خوبی دارد. عیسی به ما گوش زد می کند که یک مسیحی بدون ثمره، نمی تواند فرزند خدا باشد. حال با این سخن وظیفه ما چیست؟ و از کجا ما باید میوه ها را تهیه کنیم؟ کار و تلاش برای ما غریبه نیست. از ابتدای زمان، مردم مشکلات بی شماری را از طریق سخت کوشی و تلاش حل کرده اند! اما با خدا این تلاش و کوشش میوه روح نیست و آنها هیچ ربطه با خدا ندارند! تلاشهای ما به طور اساسی اشتباه است! وقتی تلاش می کنیم، به خودمان نگاه می کنیم. و یا از قدرت ضعف خود ناامید می شویم، یا خود را با دیگران مقایسه می کنیم و نسبت به دیگران که کمتر از ما انجام می دهند عصبانی می شویم! آفرینش ما اغلب ثمری نیست که خداوند به دنبال آن است. در کلیسا نیز، ما نباید کار و تلاش انسان را با میوه ای پر برکت که خدا

در کلیسای خود به دنبال آن است ، اشتباه بگیریم. از زمان های دراز همه ما شاهد آن بودیم که چطور ایده های بشارتی مسیحیان به بیراهه کشیده شده اند چراکه همه آنها اهداف انسانی را دنبال می کردند و یا بر اشخاص خاصی اعتقاد داشته و یا متکی بودند که باعث نابودی همه برنامه های آنها انجامید. همانطور که جمله های بالا گفته شد شاخه های درخت انگور به تنه آن متصل می باشد و آنها بدون آن نمی توانند میوه ای به بار آورند. عیسی در این باره به روشنی می گوید که شما در من بمانید و من هم در شما، زیرا شما بدون من هیچ نیرویی ندارید. در تمام اعمال و تفکرهای ما بایستی فقط این مسئله در مرکز باشد که در عیسی باقی بمانیم. مثال درخت انگور این را برای ما روشن می سازد که این شاخه ها نیستند که تنه درخت را شکل می دهند بلکه این عیسی است که از زمان اول برای ما انسان های گناهکار وجود داشته است و برای همین او خودش را فدای اعمال گناه الود ما ساخت. و حتی ما قبل از اینکه به فکر ثمره دادن بی افتیم با نام عیسی غسل تعمید گرفته ایم و با آن رشد کردیم که در آن عیسی به ما می گوید که شماها از این پس دیگر پاک گشته اید و دیگر نیازی به انجام هیچ چیزی نمی باشد چرا که عیسی تمام مایحتاج ما را داده است. و فقط این نیاز است که ما در کلام و نام او بمانیم. این کلمات بایستی همیشه برای ما گفته شود. نیروی عیسی همیشه بایستی به سوی ما روانه شود. سخن عیسی درباره درخت انگور با جمله های یوحنا ۶ که درباره عشای ربانی است در رابطه نزدیکی هستند: «کسی که جسم و خون من را دریافت می نماید من در او خواهم ماند و او در من.» فقط یک ثمره ای وجود دارد که خدا از آن راضی می باشد و آن این است که ما در عیسی بمانیم و به او وابسته گردیم. ما این کلام را بدون تنه درخت انگور نمی توانیم متوجه شویم. عیسی برای ما تمام خوشبختی ها و زندگی را از این تنه به شاخه هایش منتقل می سازد. و این داده ها همه بر ضد تمام اساس و قوانین ما انسان ها می باشد. قوانینی که ما انسان ها برای خودمان نوشته ایم و اگر از عهده یکی از آنها برنیاوریم با مجازات مواجه خواهیم شد. حال چیزی که عیسی در ما می کرد یک سری قانون نمی باشد بلکه دانه امید زندگی می باشد و جایی که آن می روید یک زندگی واقعی را برای شخص به ارمغان خواهد آورد. و آدم در این حالت نیازی نیست که به درختان بگوید که شما بایستی میوه بیاورید زیرا از این به بعد همه چیز به خودی خود اتفاق خواهد افتاد و خونی که در رگ این درختان می باشد به صورت خودجوش حرکت کرده و باعث سبز شدن برگ های درخت گشته و شکوفه های بهاری را به ارمغان خواهد آورد. چیزی که انجیل همان تاثیر را در ما خواهد گذاشت. و باعث شکوفا شدن بندگانش می شود که نوید بخشش خداوند یکتا را به ما می دهد. که در این صورت انسان ها با دیدن این رویدادها به سوی ما می آیند. آنها دوست دارند که گوشه ای از زندگی ما را ببینند تا معنی واقعی زندگی کردن را بفهمند که همین باعث تشنه شدن آنها به عیسی می شوند زیرا آنها مستحق زندگی کردن هستند و نه مردن. این ها را عیسی به ما نوید می دهد تا شادی ما کامل گردد. آمین